



ویرانه‌نامه

ولادت امام محمد باقر علیه السلام



## ویردنامه ولادت امام محمد باقر



اطاعت از خداوند، به سراغم آمده است. این تلاش من خود اطاعت از خداست، زیرا با همین کارهاست که خود را از تو و دیگر مردم بی نیاز می سازم (تا دست حاجت و تمنا به کسی دراز نکنم).  
من زمانی از خدا بیمناک هستم که هنگام معصیت و نافرمانی خدا، مرگم فرارسد!  
محمد بن منکدر می گوید:

پس از شنیدن این سخنان، به آن حضرت عرض کردم: خدای رحمتت کند، من می خواستم شما را موعظه کنم، اما شما مرا راهنمایی کردید.

### حضور سازنده و مؤثر در جامعه

امام باقر علیه السلام با این که توجه به استغنای نفس و لزوم تلاش برای کسب معاش داشت و عملاً در این راستا گام می نهاد، اما هرگز زندگی خود را وقف تأمین معاش نکرده بود، بلکه همت اصلی آن حضرت، حضور سازنده و مؤثر در جامعه بود.

این درست است که نباید برای تأمین زندگی، سربار دیگران بود، ولی این نکته را نیز باید در نظر داشت که هدف اصلی و عالی زندگی، دستیابی به رفاه، و ثروت نیست و نباید در طریق تلاشهای دنیوی، از ارزشهای اصیل زندگی غافل بود.

امام باقر علیه السلام در روزگار خود، بزرگترین تأثیر علمی و عملی را برای جامعه خویش داشت.

حضور در مجامع علمی و تأسیس جلسات فرهنگی، یکی از بهترین و ارزنده ترین نوع حضور در جامعه و خدمت به اجتماع مسلمانان بوده و هست، زیرا هر گونه تکامل اجتماعی در ابعاد اخلاقی و معنوی و اقتصادی و... منوط به تکامل فکری و فرهنگی است.

برای تبیین نقش حیاتی امام باقر علیه السلام در جامعه اسلامی، یاد همین نکته کافی است که:

جمع عالمان بر این عقیده اتفاق دارند که فقیه ترین مردم در آغاز سلسله فقیهان شش نفرند و آن شش نفر از اصحاب و شاگردان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام بشمار می آیند. (المناقب ۲/۲۹۵، ائمتنا ۱/۳۵۱). و سخن حسن بن علی الوشاء (حسن بن علی الوشاء از شخصیت‌های برجسته امامیه و از اصحاب امام رضا علیه السلام می باشد که نجاشی درباره او گفته است «کان من وجوه هذه الطائفة» و «کان عینا من عیون هذه الطائفة». اعیان الشیعة ۱۵/۱۹۵) که از معاصران امام رضا علیه السلام می باشد، خود گواهی روشن بر مدعای ماست که می گوید: نهصد شیخ و بزرگ راوی حدیث را در مسجد کوفه مشغول تدریس یافتیم که همگی از امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل حدیث می کردند. (اعیان الشیعة ۱۵/۱۹۴).

محققان بر این عقیده اند که امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در حقیقت بنیانگذار دانشگاه اهل البیت هستند که حدود شش هزار رساله علمی از فارغ التحصیلان آن به ثبت رسیده است.

اصول اربعمائه همان رساله های چهار صد گانه ای است که در میان محدثان شیعه، به عنوان کتب اصول شناخته می شود و از جمله آن شش هزار رساله به شمار می آید، و چه بسا بیشتر محتویات کتب چهارگانه شیعه (کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و استبصار) از همین رساله های اربعمائه گرفته شده باشد (سیرة الائمة الاثنی عشر ۲/۲۰۲).

### سیره عملی امام محمد باقر علیه السلام

زندگی امام، آینه تمام نمای زندگی شرافتمندانه انسانهای موحد و متعالی است. یکی از بارزترین ویژگی های امام جامعیت اوست. توجه به علم، او را از اخلاق و فضایل روحی غافل نمی سازد و روی آوری به معنویات و عبادت و بندگی، وی را از پرداختن به زندگی مادی و روابط اجتماعی و اصلاح جامعه باز نمی دارد.

در حالی که انسانهای معمولی، در بیشتر زمینه ها گرفتار افراط و تفریط می شوند، اگر به زهد و عبادت پردازند، به عزلت و گوشه نشینی کشیده می شوند و اگر به کار و تلاش رو آورند، از انجام بایسته و وظایف عبادی و معنوی، دور می مانند!

### کار و تلاش در اوج زهد و تقوا

انسانهای کم ظرفیت و کوتاه اندیش، گمان می کنند که لازمه زهد و تقوا، این است که خرقه ای پشمینه بر دوش افکنده و زاویه خلوتی را انتخاب کنند و روی از خلق بگردانند تا به خدا نزدیک شوند!

اینان گمان می کنند که تلاش برای تأمین معاش و کسب روزی، مخالف زهد و توکل است، و وظیفه انسان فقط ذکر گفتن و پرداختن به نماز و روزه می باشد و روزی از هر جا که باشد می رسد! ولی برنامه امامان علیهم السلام، و از جمله امام باقر علیه السلام غیر از این بوده است. آنان، در اوج زهد و تقوا و در نهایت عبادت و بندگی خدا، اهل کار و تلاش بوده اند، و از این که دیگران روزی آنها را تأمین کنند و خرج زندگی ایشان را بپردازند، بشدت بیزار بوده اند.

رأیت الباقر علیه السلام و هو متکی ء علی غلامین اسودین. فسلمت علیه فرد علی علی بهرو و قد تصبب عرفاً فقلت: اصلحک الله لوجاءک الموت و انت علی هذه الحال فی طلب الدنيا، فخلی الغلامین من یده و تساند و قال: لو جاءنی و انا فی طاعة من طاعات الله اکف بهانفسی عنک و عن الناس، و انما کنت اخاف الله لو جاءنی و انا علی معصية من معاصی الله، فقلت: رحمک الله اردت ان اعطک فوعظتني. ارشاد مفید ۲/۱۵۹، مناقب ۴/۲۰۱، کشف الغمة ۲/۳۳۰، الفصول المهمة ۲۱۳، بحار الانوار ۴۶/۲۸۷. محمد بن منکدر یکی از زهاد معروف عصر امام باقر علیه السلام است که همانند طاووس یمانی و ابراهیم بن ادهم و عده ای دیگر، دارای گرایشهای صوفیانه بوده است. او خود نقل می کند:

در یکی از روزهای گرم تابستان، از مدینه به سمت یکی از نواحی آن، خارج شدم، ناگاه در آن هوای گرم، محمد بن علی علیه السلام را ملاقات کردم که با بدنی فربه و با کمک دو نفر از خدمتکارانش مشغول کار و رسیدگی به امور زندگی است. با خود گفتم: بزرگی از بزرگان قریش، در چنین ساعت گرم و طاقت فرسا و با چنین وضعیت جسمی، به فکر دنیا است! به خدا سوگند، باید پیش رفته و او را موعظه کنم. به آن حضرت نزدیک شدم و سلام کردم.

او نفس زنان و عرق ریزان، سلامم را پاسخ گفت. فرصت را غنیمت شمرده، به او گفتم:

خداوند، کارهایت را سامان دهد! چرا بزرگی چون شما در چنین شرایطی به فکر دنیا و طلب مال باشد! براستی اگر مرگ در چنین حالتی به سراغ شما بیاید، چه خواهید کرد!

امام باقر علیه السلام، دست از دست خدمتکاران برگرفت و ایستاد و فرمود: به خدا سوگند، اگر در چنین حالتی مرگ به سراغم آید، بحق در حالت



## ولادت امام محمد باقر

ویردنامه



عن ابی عبد الله علیه السلام: کان ابی اقل اهل بیته مالا و اعظمهم مؤونة و کان یتصدق کل جمعة بدینار و کان یقول الصدقة یوم الجمعة تضاعف کفضل یوم الجمعة علی غیره من الایام . بحار الانوار ۲۹۵/۴۶، الانوار البهیة ۱۲۲، اعیان الشیعة ۱/ ۶۵۳ .

امام صادق علیه السلام می فرماید: پدرم با این که از نظر امکانات مالی، نسبت به سایر خویشاوندان، در سطح پایینتری قرار داشت و مخارج زندگی وی، سنگینتر از بقیه بود، هر جمعه به نیازمندان انفاق می کرد و می فرمود: انفاق در روز جمعه، دارای ارجی فزونتر است، چنان که روز جمعه، خود بر سایر روزها برتری دارد.

روی عن ابی عبد الله علیه السلام قال: دخلت علی ابی یوما و هو یتصدق علی فقراء اهل المدينة بثمانیة آلاف دینار، و اعتق اهل بیت بلغوا احد عشر مملوکا... بحار الانوار ۴۶/ ۳۰۲ .

و نیز این سخن را هم امام صادق علیه السلام فرموده است:

در یکی از روزها به حضور پدرم رسیدم در حالی که میان نیازمندان مدینه، هشت هزار دینار، تقسیم کرده و یازده برده را آزاد ساخته بود.

### سخاوت و مروت نسبت به دوستان

قال عمرو بن دینار و عبد الله بن عبید بن عمیر، مالقینا ابا جعفر محمد بن علی علیه السلام الا و حمل الینا النفقة و الصلوة و الکسوة، و یقول: هذه معدة لکم قبل ان تلقونی . بحار الانوار ۲۸۷/۴۶، کشف الغمة ۲/ ۳۳۴ . عمرو بن دینار و عبد الله بن عبید می گویند: ما هرگز به ملاقات امام باقر علیه السلام نرفتیم، مگر این که به وسیله هدایا و پوشاک و امکانات مالی، از ما استقبال و پذیرایی کرده، می فرمود: اینها را از قبل برای شما تدارک دیده بودم.

ظاهرا منظور امام از بیان جمله اخیر این بوده است که دوستان و میهمانانش احساس شرم و نگرانی نکنند و گمان نبرند که با دریافت آن هدایا و امکانات، بر زندگی شخصی امام باقر علیه السلام کم و کاستی را تحمیل کرده اند. سلمی یکی از خدمتکاران خانه امام باقر علیه السلام است. او می گوید: برخی از دوستان و آشنایان امام باقر علیه السلام به میهمانی آن حضرت می آمدند و از نزد وی بیرون نمی شدند، مگر این که بهترین غذاها را تناول کرده و چه بسا گاهی لباس و پول از آن گرمی دریافت می کردند. قالت سلمی مولاة ابی جعفر علیه السلام کان یدخل علیه اصحابه، فلا یخرجون من عنده حتی یطعمهم الطعام الطیب، و یکسوهم الثیاب الحسنة، و یهب لهم الدنانیر، فاقول له فی ذلک لیقلم منه فیقول: یا سلمی ما حسنة الدنیا الا صلوة الاخوان و المعارف و کان یصل بالخمسمائة... الفصول المهمة ۱۹۷ .

سلمی می گوید: گاهی من با امام در این باره سخن می گفتم که خرج خانواده شما، خود سنگین است و از نظر درآمد وضع متوسطی دارید (بهتر این است که در پذیرایی از دوستان و مهمانان با احتیاط بیشتری رفتار کنید!) اما امام می فرمود: ای سلمی! نیکی دنیا، رسیدگی به برادران و دوستان و آشنایان است، و گاهی حضرت پانصد و تا هزار درهم هدیه می داد.

و قال الاسود بن کثیر: شکوت الی ابی جعفر علیه السلام الحاجة و جفاء الاخوان فقال: بئس الأخ أخ یرعاک غنیا و یقطعک فقیرا ثم امر غلامه فاخرج کیسا فیه سبعة درهم فقال: استنفق هذا فاذا فرغت فأعلمنی . ارشاد ۱۴۶/۲، روضة الواعظین ۲۰۴/۱، کشف الغمة ۲/ ۳۲۱، الفصول المهمة ۲۱۵، نور الابصار ۵۰، الانوار البهیة ۱۲۲ .

### مرجعیت و پاسخگویی به پرسش های مردم

کان ابو جعفر الباقر علیه السلام جالسا فی الحرم و حوله عصابة من اولیائه، إذ اقبل طاووس الیمانی فی جماعة، فقال: من صاحب الحلقة؟ قیل: محمد بن علی... قال: ایاه اردت، فوقف علیه و سلم و جلس ثم قال: اتأذن لی فی السؤال؟ فقال الباقر علیه السلام قد اذناک فسلم قال: ... بحار الانوار ۴۶/ ۳۵۵ .

ابو بصیر می گوید: امام باقر علیه السلام در مسجد الحرام نشسته بود و گروه زیادی از دوستدارانش برگرد او حلقه زده بودند. در این هنگام طاووس یمانی به همراه گروهی به من نزدیک شد و پرسید: آن مردم در اطراف چه کسی حلقه زده اند؟

گفتم: محمد بن علی بن الحسین (باقر العلوم علیه السلام) است که نشسته و مردم دور او گرد آمده اند.

طاووس یمانی گفت: من نیز به او کار داشتم. آنگاه پیش رفت، سلام کرد و نشست و گفت: آیا اجازه می دهید مطالبی را از شما بپرسم؟ امام باقر علیه السلام فرمود: آری بپرس! طاووس یمانی سؤالهایش را مطرح کرد و امام علیه السلام به او پاسخ بایسته را ارائه داد.

عن ابی حمزة الثمالی قال: کنت جالسا فی مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله إذ اقبل رجل فسلم فقال من انت یا عبد الله... بحار الانوار ۴۶/ ۳۵۷ . ابو حمزه ثمالی نیز می گوید: در مسجد رسول خدا نشسته بودم که مردی پیش آمد، سلام کرد و گفت: تو کیستی؟

به او گفتم: مردی از اهل کوفه ام. چه می خواهی و در جستجوی چه هستی؟

مرد گفت: آیا ابو جعفر، محمد بن علی علیه السلام را می شناسی؟

گفتم: بلی، به آن گرمی چه کار و حاجتی داری؟

گفت: چهل مسأله آماده کرده ام تا از وی سؤال کنم و آن چه حق بود بپذیرم.

ابو حمزه می گوید: از آن مرد پرسیدم، آیا تو فرق بین حق و باطل را می دانی؟ مرد گفت: آری...

در این هنگام امام باقر علیه السلام وارد شد در حالی که گروهی از اهل خراسان و مردم دیگر در اطراف وی بودند و مسایل حج را از آن حضرت می پرسیدند.

آن مرد نیز نزدیک امام نشست و مطالب خود را با آن حضرت در میان گذاشت و جواب لازم را دریافت داشت.

این نمونه ها و موارد دیگر، بروشنی می نمایاند که امام باقر علیه السلام چگونه مورد رجوع مردم بوده و به نیازهای مختلف آنان رسیدگی می کرده است.

### رسیدگی به محرومان

درباره امام باقر علیه السلام گفته اند: هرگز شنیده نشد که نیازمندی نیازش را به آن حضرت اظهار داشته و با پاسخ منفی، مواجه شده باشد.

کان علیه السلام لا یسمع من دارة یا سائل بورک فیک، و یا سائل خذ هذا، و کان علیه السلام یقول: سموهم باحسن اسمائهم . احقاق الحق ۱۲/ ۱۸۹ . امام باقر علیه السلام همواره توصیه می کرد که وقتی نیازمندان به شما رو می آورند و یا شما می خواهید آنان را صدا بزنید، بهترین نام ها و عناوین را درباره آنان به کارگیرید (۸) و با عناوین و اوصاف زشت و بی ارزش و با بی احترامی با ایشان برخورد نکنید .



## ویردنامه ولادت امام محمد باقر



ارزش و اهمیت این گونه شکیبایی و بردباری، چه بسا برای بسیاری از انسانها، نامفهوم باشد، ولی کسانی چون خواجه نصیر الدین طوسی که از یک سو افضل عالمان عصر خویش در علوم عقلی و نقلی شناخته شده، و از سوی دیگر منصب وزارت را در دستگاه حکومت به وی واگذار کرده اند، در اوج موقعیت علمی و اجتماعی، به امام خویش اقتدا کرده و در مقابل بدگویان به صبری شگفت نایل می شود.

شخصی به او خطاب می کند: ای سگ، و ای سگ زاده! اما او در پاسخ می گوید، این سخن تو درست نیست، زیرا سگ بر چهار دست و پا راه می رود و من چنین نیستم، سگ چنگال دارد، شعور ندارد، نمی اندیشد، ولی من چنین نیستم و (الانوار البهیه ۱۲۳) براستی چنین شکیبایی و تحملی را جز در پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام نمی توان پیدا کرد.

### صمیمیت و محبت با دوستان

عن ابی عبیده قال: كنت زمیل ابی جعفر علیه السلام و كنت ابدا بالركوب ثم یركب هو، فاذا استوتینا سلم و ساءل مساءلة رجل لا عهد له بصاحبه و صافح، قال: و كان اذا نزل نزل قبلی فاذا استوتیت انا و هو علی الأرض سلم و ساءل مساءلة من لا عهد له بصاحبه، فقلت: یا ابن رسول الله انك لتفعل شیئا ما یفعله من قبلنا، و ان فعل مرة لكثیر، فقال: اما علمت ما فی المصافحة، ان المؤمنین یلتقیان فیصافح احدهما صاحبه فما تزال الذنوب تتحات عنهما كما یتحات الورق عن الشجر و الله ینظر الیهما حتی یفترقان.

یکی از دوستان امام باقر علیه السلام به نام ابی عبیده می گوید: در سفر، رفیق و همراه، امام باقر علیه السلام بودم. در طول سفر همیشه نخست من سوار بر مرکب می شدم و سپس آن حضرت بر مرکب خویش سوار می شد. (و این نهایت احترام و رعایت حرمت بود). زمانی که بر مرکب می نشستیم و در کنار یکدیگر قرار می گرفتیم، آن چنان با من گرم می گرفت و از حالم جویا می شد که گویی لحظاتی قبل در کنار هم نبوده ایم و دوستی را پس از روزگار دوری جسته است.

به آن حضرت عرض کردم:

ای فرزند رسول خدا! شما در معاشرت و لطف و محبت به همراهان و رفیقان به گونه ای رفتار می کنید که از دیگران سراغ ندارم، و براستی اگر دیگران دست کم در اولین برخورد و مواجهه، چنین برخورد خوشی با دوستانشان داشته باشند، ارزنده و قابل تقدیر خواهد بود.

امام باقر علیه السلام فرمود: آیا نمی دانی که مصافحه (نهادن دست محبت در دست دوستان و مؤمنان) چه ارزشی دارد؟ مؤمنان هر گاه با یکدیگر مصافحه کنند و دست دوستی بفشارند، گناهانشان همانند برگهای درخت فرو می ریزد و در منظر لطف خدایند تا از یکدیگر جدا شوند.

### محبت و عاطفه نسبت به خانواده

محبت و عاطفه نسبت به فرزندان و اعضای خانواده در اوج رعایت ارزشهای دینی و الهی، چیزی است که تنها در مکتب اهل بیت علیهم السلام

اسود بن کثیر می گوید: تهیدست شدم و دوستانم به من رسیدگی نکردند. نزد امام باقر علیه السلام رفتم و از نیازمندی خود و جفای برادران شکوه کردم، آن حضرت فرمود:

بد برادری است آن برادری که به هنگام ثروت و توانمندی، حالت را بپرسد و تو را در نظر داشته باشد، ولی زمانی که تهیدست و نیازمند شدی، از تو ببرد و به سراغت نیاید! سپس امام به خدمتکارش دستور داد تا هفتصد درهم نزد من گذارد، و فرمود: این مقدار را خرج کن و هر گاه تمام شد و نیاز داشتی باز مرا از حال خود با خبر ساز.

### شکیبایی و بردباری در روابط اجتماعی

شرط اصلی حضور سازنده و مفید در جامعه، برخورداری فرد از صبر و شکیبایی است. این ویژگی به عالیترین شکل آن در زندگی امام باقر علیه السلام مشهود است.

برای نمایاندن این ویژگی ارزشمند در زندگی آن حضرت نقل این حدیث کافی است که:

قال له نصرانی: انت بقر؟ قال: انا باقر، قال: انت ابن الطباخة؟ قال: ذاك حرفتها، قال: انت ابن السود الزنجية البذیة، قال: ان كنت صدقت غفر الله لها، و ان كنت كذبت غفر الله لك، قال: فاسلم النصرانی. مناقب ابن شهر آشوب ۲۰۷/۴، بحار الانوار ۲۸۹/۴۶، نور الابصار، مازندرانی ۵۱، اعیان الشیعة ۶۵۳/۸.

مردی غیرمسلمان (نصرانی) در یکی از روزها با امام باقر علیه السلام روبرو شد. آن مرد به دلیلی نامشخص نسبت به آن حضرت، کینه داشت، از این رو دهان به بدگویی گشود و با تغییرانندی در اسم امام باقر علیه السلام گفت: تو بقر (گاو) هستی!

امام بدون این که خشمناک شود و عکس العمل شدیدی نشان دهد، با آرامش خاصی فرمود: من باقرم.

مرد نصرانی که از سخن قبل به مقصود نرسیده بود و احساس می کرد نتوانسته است امام را به خشم وادارد، گفت:

تو فرزند زنی آشپز هستی!

امام فرمود: این حرفه او بوده است (و ننگ و عاری برای او نخواهد بود)

مرد نصرانی، پا فراتر نهاد و با گستاخی هر چه تمامتر گفت:

تو فرزند زنی سیاه چرده و زنگی و... هستی!

امام علیه السلام فرمود: اگر تو راست می گویی و مادرم آن گونه که تو توصیف می کنی بوده است، پس از خداوند می خواهم او را بیامرزد، و اگر ادعاهای تو دروغ و بی اساس است، از خداوند می خواهم که تو را بیامرزد!

در این لحظه، مرد نصرانی که شاهد حلم و بردباری اعجاب انگیز امام باقر علیه السلام بود و مشاهده کرد که این شخصیت اصیل و پرنفوذ، علیرغم پایگاه عظیم اجتماعی و علمی خود که صدها شاگرد از درس او بهره می گیرند و در میان قریش و بنی هاشم از ارج و منزلت و حمایت برخوردار است، به جای عکس العمل منفی و مقابله به مثل در برابر بد زبانیهای او، چون کوه صبر و شکیبایی، آرام و مطمئن ایستاده و با او سخن می گوید، ناگهان در دادگاه وجدان خویش، خود را محکوم و شکست خورده یافت، و بی تأمل از گفته های خود معذرت خواهی کرد و اسلام آورد.



## ویردنامه ولادت امام محمد باقر



ترکنا له لم نقض حق مسلم، قال: فلما صلى على الجنائز قال وليها لابی جعفر: ارجع مأجورا رحمك الله فانك لا تقوى على المشى فأبى ان يرجع، قال فقلت له: قد اذن في الرجوع ولي حاجة اريد ان اسالك عنها فقال: امض فليس باذنه جننا ولا باذنه نرجع، انما هو فضل واجر طلبناه فبقدر ما يتبع الجنائز الرجل يؤجر على ذلك. بحار الانوار ۳۰۱/۴۶

زراره گوید: امام باقر علیه السلام برای تشییع جنازه مردی از قریش، حضور یافت و من هم با ایشان بودم. در میان جمعیت تشییع کننده عطاء نیز حضور داشت.

در این میان، زنی از مصیبت دیدگان فریاد و ناله بر آورد. عطاء به زن مصیبت زده گفت: یا ساکت می شوی، یا من بازخواهم گشت! و در این تشییع، شرکت نخواهم جست.

اما، آن زن ساکت نشد و به زاری و افغان ادامه داد. و عطاء هم بازگشت و تشییع را ناتمام گذاشت.

من برای امام باقر علیه السلام قضیه عطاء را باز گفتم (و در انتظار عکس العمل امام بودم). امام فرمود: به راه ادامه دهیم و جنازه را همچنان تشییع کنیم، زیرا اگر بنا باشد که به خاطر مشاهده یک عمل اشتباه و سرو صدای بیجای یک زن، حقی را کنار بگذاریم (و به وظیفه اجتماعی خود نسبت به مؤمنی عمل نکنیم) حق مسلمانی را نادیده گرفته ایم.

زراره گوید: پس از تشییع، جنازه را بر زمین نهادند و بر آن نماز خواندیم و مراسم تدفین ادامه یافت. در این میان، صاحب عزا پیش آمد، از امام باقر علیه السلام سپاسگزاری کرد و به ایشان عرض کرد: شما توان راه رفتن زیاد را ندارید، به همین اندازه که لطف کرده و در تشییع جنازه شرکت کرده اید، متشکریم و اکنون بازگردید!

زراره می گوید: من به امام گفتم: اکنون که صاحب عزا به شما رخصت بازگشت داده، بهتر است بازگردید، زیرا من سؤالی دارم که می خواهم از محضرتان استفاده کنم.

امام فرمود: به کار خود ادامه بده، ما با اجازه صاحب عزا نیامده ایم تا با اجازه او بازگردیم. تشییع جنازه یک مؤمن، فضل و پاداشی دارد که ما به خاطر آن آمده ایم. به هر مقدار که انسان به تشییع ادامه دهد و به مؤمن حرمت نهد، از خداوند پاداش می گیرد.

در این حدیث، درسهای چندی نهفته است که از آن جمله به این موارد می توان اشاره کرد:

الف: لزوم و انهدان وظیفه و ترک نکردن حق به خاطر مشاهده باطل از دیگران.

ب: لزوم اهتمام به حقوق اجتماعی مؤمنان و ضرورت اجتناب از تنگ نظری.

ج: حرمت مؤمن، حتی پس از مردن.

د: ضرورت انجام همه وظایف حتی وظایف اجتماعی، برای خدا و نه صرفا رضای خلق.

### اهتمام به حقوق مالی مردم

ابو ثمامه گوید: حضور امام باقر علیه السلام رسیدم و عرض کردم: فدایت شوم! من مردی هستم که می خواهم در مکه اقامت گزینم، ولی یکی از پیروان مذهب مرجئه (مذهب مرجئه از جمله مذاهب ساختگی و انحرافی است که معتقدان به آن چنان پایبند عمل نیستند و به ادعای ایمان، دلخوش می دارند و در روایات معصومین

به صحیحترین شکل آن دیده می شود. کسانی که از مکتب اهل بیت علیهم السلام دور مانده اند، چه آنان که اصولا پایبند به دین نیستند و چه آنان که دین را از طریق غیر اهل بیت دریافت کرده اند، در ایجاد تعادل میان عواطف و ارزشها گرفتار افراط و تفریط شده اند.

گروهی آنچنان دلبسته به فرزند و زندگی هستند که همه قوانین و ارزشهای دینی و اجتماعی را فدای آن می کنند، و دسته ای آنچنان گرفتار جمود و جهالت شده اند که گمان کرده اند، توحید و محبت به خدا مستلزم بی عاطفگی و بی مهری نسبت به غیر خداست. این گروه دوستی و محبت زن و فرزند را عار می دانند و در مرگ عزیزانشان، حتی از قطره ای اشک دریغ دارند، ولی در مکتب امام باقر علیه السلام خبری از این افراط و تفریطها نیست.

کان قوم اتوا ابا جعفر علیه السلام فوافقوا صبیا له مریضا، فرأوا منه اهتماما و غما و جعل لا یقر، قال فقالوا: والله لئن اصابه شیء انا لنتخوف ان نری منه ما نکره، قال: فما لبثوا ان سمعوا الصیاح علیه فاذا هو قد خرج علیهم منبسط الوجه فی غیر الحال التی کان علیها فقالوا له:

جعلنا الله فداک لقد کنا نخاف مما نری منک ان لو وقع ان نری منک ما یغمننا فقال لهم: انا لنحب ان نعافی فیمن نحب فاذا جاء امر الله سلمنا فیما یحب. عیون الأخبار، ابن قتیبه ۶۶/۳، بحار الانوار ۸۶/۱۱.

گروهی نزد امام باقر علیه السلام شرفیاب شدند و به خانه آن حضرت وارد گشتند. اتفاقا یکی از فرزندان خردسال امام باقر علیه السلام مریض بود و آنان آثار غم و اندوه فراوانی را در آن حضرت مشاهده کردند. امام باقر از مریضی فرزند به گونه ای نگران و ناراحت بود که آرامش نداشت.

آن گروه با مشاهده این وضع با خود گفتند که اگر این کودک طوری بشود (بمیرد) ممکن است امام باقر علیه السلام چنان ناراحت و غمگین شود و از خود عکس العملهایی نشان دهد که ما از ایشان انتظار نداشته باشیم. در همین اندیشه بودند که ناگهان صدای شیون شنیده شد و دانستند که کودک جان سپرده و اطرافیان بر او می گریند، اما همچنان از وضع امام باقر علیه السلام بیخبر بودند که ایشان با صورتی گشاده بر آنان وارد شد، بر خلاف آنچه قبلا از آن حضرت مشاهده کرده بودند.

میهمانان گفتند: وقتی که ما وارد شدیم و حال مضطرب شما را دیدیم، ما نیز نگران وضع و حال شما شدیم!

امام علیه السلام فرمود: ما دوست داریم که عزیزانمان سالم و بی رنج و درد باشند، ولی زمانی که امر الهی سر رسید و تقدیر خداوندی محقق شد، خواست خداوند را می پذیریم و در برابر مشیت او تسلیم و راضی هستیم.

این بیان، می نمایاند که برخورداری از روحیه رضا و تسلیم به معنای کنار نهادن عواطف و احساسهای طبیعی نیست، بلکه عواطف در جای خود باید ابراز شود و در اوج ابراز عواطف انسانی، روحیه رضا و تسلیم در برابر حکم الهی را نیز باید حفظ کرد.

### احترام به حقوق اجتماعی مؤمنان

حضر ابو جعفر علیه السلام جنازه رجل من قریش و انا معه و کان فیها عطاء فصرخت صارخة فقال عطاء: لتسکتن او لنجرعن قال: فلم تسکت، فرجع عطاء قال: فقلت لأبی جعفر علیه السلام ان عطاء قد رجع قال: و لم؟ قلت صرخت هذه الصارخة فقال لها: لتسکتن او لنجرعن فلم تسکت فرجع فقال: امض بنا فلو انا اذا رأینا شیئا من الباطل مع الحق



## ویردنامه ولادت امام محمد باقر



۲- ایده های فردی در مورد مسایل مختلفی که فراتر از حد وظایف ضروری است، مانند رعایت مستحبات و ترک مکروهات، و یا چشمپوشی از مباحات به منظور هدف و آرمانی خاص و ارزشمند. اهل تقوا و زهد، علاوه بر انجام وظایف واجب و ضروری، بسیاری از لذتهای دنیوی را ترک می کنند و حتی از تجملهای مجاز و مباح نیز اجتناب می ورزند.

گاه موقعیت اجتماعی و سنی یک فرد، مستلزم رعایت مسایلی است که رعایت آنها بر دیگران و حتی همسران وی لازم نیست. در چنین مواردی، معمول انسانها سعی می کنند تا ایده های خود و شیوه زندگی خویش را بر دیگران و همسر و فرزندشان تحمیل کنند و شرایط و روحیات ایشان را در نظر نگیرند. در زندگی امام باقر علیه السلام نه تنها چنین نقطه ضعف هایی دیده نمی شود، بلکه خلاف آن قابل مشاهده است.

دخلت علی ابی جعفر علیه السلام انا و صاحب لی فاذا هو فی بیت منجد، و علیه ملحفه وردیه، و قد حف لचितه و اکتحل، فسالنا عن مسائل، فلما قمنا، قال لی: یا حسن! قلت: لیک قال: إذا کان غدا فأتنی أنت و صاحبک، فقلت: نعم جعلت فداک، فلما کان من الغد دخلت علیه و اذا هو فی بیت لیس فیهِ الا حصیر و اذا علیه قمیص غلیظ، ثم اقبل علی صاحبی، فقال: یا ابا البصره! انک دخلت علی امس و انا فی بیت المرأة و کان امس یومها، و البیت بیتها، و المتاع متاعها، فتزینت لی، علی ان اتزین لها کما تزینت لی، فلا یدخل قلبک شیء، فقال له صاحبی: جعلت فداک قد کان و الله دخل فی قلبی، فأما الآن فقد و الله اذهب الله ما کان، و علمت ان الحق فیما قلت. بحارالانوار ۲۹۳/۴۶.

حسن زیات بصری می گوید: من به همراه یکی از دوستانم به منزل امام باقر علیه السلام رفته، بر او وارد شدیم. برخلاف تصور خویش، آن حضرت را در اتاقی مفروش، آراسته و زینت شده یافتیم و بردوش وی پارچه ای به رنگ گلهای سرخ مشاهده کردیم. محاسن را قدری کوتاه کرده و بر چشمان سرمه کشیده بود. (باید توجه داشت که در آن عصر و محیط سرمه کشیدن مردان رایج بوده است).

ما مسایل خود را با آن حضرت در میان گذاشتیم و سؤالهایمان را پرسیدیم و ازجا برخاستیم. هنگام خارج شدن از منزل، امام به من فرمود: همراه با دوستت، فردا هم نزد من بیایید. گفتم بسیار خوب، خواهیم آمد. چون فردا شد، با همان دوستم به خانه امام رفتیم، ولی این بار به اتاقی وارد شدیم که در آن، جز یک حصیر، هیچ امکاناتی نبود و امام پیراهنی خشن بر تن داشت.

در این هنگام امام به رفیق من رو کرد و فرمود: ای برادر بصری! اتاقی که دیشب مشاهده کردی و در آنجا نزد من آمدی از همسرم بود که تازه با او ازدواج کرده ام و در واقع آن اتاق، اتاق او بود و لوازم آن نیز، لوازم و امکاناتی است که او آورده است.

او خودش را برای من آراسته بود و من نیز می بایست عکس العمل مناسبی داشته باشم و خودم را برای او بیارایم و بی تفاوت نباشم. امیدوارم از آنچه دیشب مشاهده کردی، به قلبت گمان بد راه نداده باشی.

رفیق من در پاسخ امام گفت: به خدا قسم، بدگمان شده بودم، ولی

مورد لعن و نفرین قرار گرفته اند. رک: الفرق بین الفرق، مترجم ۱۴۵) از من طلبکار است و من به او مدیون می باشم. نظر شما چیست؟ (آیا بهتر است که به وطنم بازگردم و بدهکاریم را به آن مرد پردازم، یا با توجه به این که مذهب آن مرد مذهب باطلی است، می توانم پرداخت بدهی خود را به تأخیر انداخته، همچنان در مکه بمانم؟) دخلت علی ابی جعفر علیه السلام و قلت له: جعلت فداک انی رجل ارید ان الازم مکه و علی دین للمرجئة، فما تقول؟ قال علیه السلام: ارجع الی مؤدی دینک و انظر ان تلقی الله عز و جل و لیس علیک دین، فان المؤمن لا یخون. علل الشرایع ۵۲۸، بحارالانوار ۱۰۳/۱۴۲. امام فرمود: به سوی طلبکار باز گرد و قرضت را ادا کن و مصمم باش به گونه ای زندگی کنی که هنگام مرگ و ملاقات خداوند، طلبی از ناحیه دیگر بر عهد تو نباشد، زیرا مؤمن هرگز خیانت نمی کند.

### رعایت حقوق و نیازهای روحی همسران

زاهد نمایان و تنگ نظرانی که عبادت و تقوا را در انزوا و کسالت و جمود می بینند و با ترک شؤون زندگی و رفتارهای اجتماعی در صدد راهیابی به مقامات معنوی هستند! واقعیات حیات را نادیده گرفته و به جای پیروی از تمامیت وحی، تشخیصهای نادرستشان را، ملاک حق می شمردند، تشکیل زندگی خانوادگی را مانع وصول به حق پنداشته و رعایت حقوق و نیازهای طبیعی و واقعی همسران را در خور دنیا گریان می دانند! و در جهت ضدیت با فطرت و طبیعت و نظام هستی بر می خیزند، اما در مکتب اهل بیت علیهم السلام و در زندگی امام باقر علیه السلام اثری از این گونه حرکتها نیست، بلکه هر حقیقتی در جای خود مورد توجه قرار گرفته است. از آن جمله نیازهای روحی همسران است که معمولا در نگاه انسانهای سطحی مورد غفلت و بی مهری قرار می گیرد، ولی در زندگی امامان علیهم السلام به عنوان یک واقعیت مورد توجه بوده است.

گروهی از مردم به حضور امام باقر علیه السلام رسیدند، در حالی که امام خضاب (خضاب، نوعی آراستن موها یا پوست بدن با تغییر دادن رنگ آن به وسیله حنا یا سایر داروهای رنگی است.) کرده بود. تازه واردان، از علت خضاب کردن آن حضرت، جويا شدند.

عن ابی الحسن علیه السلام قال: دخل قوم علی ابی جعفر علیه السلام فرأوه مختضباً فسألوه فقال: انی رجل احب النساء فأنا اتصبغ لهن. بحارالانوار ۲۹۸/۴۶.

امام علیه السلام فرمود: چون زنان از آراستگی شوهر خویش شادمان می شوند، من برای همسرانم خضاب کرده و خود را آراسته ام.

### عدم تحمیل ایده های خویش بر همسران

ایده های انسان بر دو گونه اند:

۱- ایده های اصولی و غیر قابل چشمپوشی، مانند پایبندی به اصول دین و واجبات و محرمات شرعی و نیز رعایت اصول اخلاق انسانی و... که انسان نسبت به چنین ایده هایی نمی تواند بی تفاوت باشد، چه در مورد همسر و چه دیگران.

امر به معروف و نهی از منکر شامل چنین زمینه هایی است و همه مردم در قلمرو مکتب وظیفه دارند که در مرحله نخست، اعضای خانواده خویش را به این ارزشها دعوت کرده و از ضد ارزشها بازدارند و در مرحله بعد همه افراد جامعه را امر به معروف و نهی از منکر نمایند.



ویردمانه

## ولادت امام محمد باقر



شایسته را در نظر دارد! چنان که گاه لباس فاخر و تهیه شده از خز می پوشد(قال: رأیت علی ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام جبة خز و مطرف خز.طبقات ابن سعد ۳۲۱/۵، سیر اعلام النبلاء ۴/ ۴۰۷۰). و برای لباس رنگهای جذاب و پرنشاط انتخاب می کند(عن مالک بن اعین، قال دخلت علی ابی جعفر علیه السلام و علیه ملحفة حمراء شديدة الحمرة. بحار الانوار ۴۶/ ۲۹۲).

امام باقر علیه السلام از این که در اندام او آثار رخوت و کسالت و پژمردگی ظاهر باشد، متنفر بود. حکم بن عتیبه می گوید: امام باقر علیه السلام را دیدم که حنا بر ناخنها نهاده است.

امام به من فرمود: نظرت درباره این کار چیست؟ عرض کردم: درباره کار شما چه می توانم بگویم (شما خود آگاه تر هستید و جز کار بایسته انجام نمی دهید)، ولی در آداب و رسوم اجتماعی ما، جوانان ناخنهایشان را با حنا می آریند! امام فرمود: ای حکم! وقتی که انسان تنظیف می کند و با دارو، موهای زاید بدن را می زداید، دارو بر ناخنها اثر گذاشته و رنگ آن را شبیه ناخن مردگان می سازد. رنگ آن را با حنا می توان تغییر داد. (رأیت ابا جعفر علیه السلام و قد اخذ الحناء و جعله علی اظافيره فقال: یا حکم! ما تقول فی هذا؟ فقلت: ما عسیت ان اقول فیه و انت تفعله، و ان عندنا یفعله الشبان، فقال: یا حکم ان الأظافر اذا اصابتها النورة غیرتها حتی تشبه اظافر الموتی، فغیرها بالحناء، کافی ۶/ ۵۰۹، بحار الانوار ۴۶/ ۲۹۹). این احادیث در مجموع می رساند که امام باقر علیه السلام به چگونگی وضع لباس و زی خویش در جامعه توجه داشته، بی قیدی و بد منظری و بی مبالاتی را نمی پسندیده است. منبع: زندگی سیاسی امام باقر علیه السلام، ترابی، احمد

اکنون خداوند آن بد گمانی را از قلبم زدود و حقیقت را دریافتم. (۲۳) آنچه از این حدیث استفاده می شود، این است که امام از همسرش انتظار ندارد که چون او بر حصیر بنشیند و لباس خشن بر تن کند. امام با این که در قلمرو اعمال فردی خود، از تجمل پرهیز دارد، ولی در زندگی خانوادگی و حتی اجتماعی، عواطف و نیازهای روحی همسر و نیز شرایط و مقتضیات زمان را در نظر دارد و تجمل حلال را ممنوع نمی شمارد و در مواردی لازم هم می داند.

دخلت علی ابی جعفر علیه السلام و هو فی بیت منجد و علیه قمیص رطب و ملحفة مصبوغة قد أثر الصبغ علی عاتقه، فجعلت انظر الی البیت و انظر فی هیئته فقال لی: یا حکم و ما تقول فی هذا؟ فقلت: ما عسیت ان اقول و أنا أراه علیک، فأما عندنا فانما یفعله الشاب المرهق، فقال: یا حکم من حرم زینة الله التی اخرج لعباده؟ فأما هذا البیت الذی تری فهو بیت المرأة، و انا قریب العهد بالعرس، و بیتی البیت الذی تعرف. الکافی ۶/ ۴۴۶، بحار الانوار ۴۶/ ۲۹۲.

حکم بن عتیبه می گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم در حالی که اتاقش آراسته و لباسش رنگین بود، من همچنان به اتاق و لباس آن حضرت خیره شده بودم و نگاه می کردم. امام که آثار شگفتی را در من مشاهده کرده بود، فرمود: ای حکم نظرت درباره آنچه می بینی چیست؟

عرض کردم: درباره عمل شما چگونه می توانم داوری کنم (شما امام هستید و جز کار بایسته انجام نمی دهید)، ولی در محیط ما، جوانان کم سن و سال چنین می پوشند، نه بزرگسالان! امام فرمود: ای حکم، چه کسی زینتهای الهی و خدادادی را ممنوع ساخته است! (پوشیدن این لباس زیبا و شیک، حرمت شرعی ندارد) ولی خوب است بدانی که این اتاق، از آن همسر من است و تازه با او ازدواج کرده ام و تو می دانی که اتاق ویژه خود من چگونه اتاقی است

### رعایت جمال و زی شرافتمندانه

ائمّه علیه السلام به تناسب شرایط زمانی و مسؤولیتهای اجتماعی خود، زندگی می کرده اند.

در حالات علی علیه السلام دیده شده است که آن حضرت در دوران حکومت و فرمانروایی خویش، کفشهایش را خود وصله می زد و از ساده ترین و کم بهاترین جامه ها استفاده می کرد، ولی آن حضرت شیوه زندگی خود را برای همگان تجویز نمی نمود و می فرمود: من چون حاکم جامعه هستم، وظیفه خاصی دارم و باید در حد پایین ترین طبقات جامعه زندگی کنم تا آنان با مشاهده وضع من، در خود احساس آرامش و رضایت کنند.

اما سایر امامان، از آنجا که مسؤولیت حکومت را بر عهده نداشته اند و در شرایط اجتماعی ویژه ای زندگی می کرده اند، که چه بسا استفاده از لباس های کم بها و وصله دار موجب تضعیف موقعیت اجتماعی آنان و توهین به شیعه می شد، و بازتاب منفی داشته است، بر اساس وظیفه، آداب صحیح اجتماعی را رعایت کرده، به جمال و زی شرافتمندانه در جامعه اهتمام می ورزیده اند.

امام باقر علیه السلام حتی در مورد چگونگی اصلاح محاسن خویش به مرد پیرایشگر رهنمود می دهد(عن محمد بن مسلم، قال: رأیت ابا جعفر علیه السلام و الحجام یأخذ من لحیته فقال: دورها. بحار الانوار ۴۶/ ۲۹۹). و در انتخاب لباس برای خویش، عزت و شرافت و زی

### منابع:

- ائمنا
- احقاق الحق
- ارشاد شیخ مفید
- اعیان الشیعة
- الانوار البهیة
- بحار الانوار
- روضه الواعظین
- سیر اعلام النبلاء
- سیرة الائمة الاثنی عشر
- علل الشرايع
- الفرق بین الفرق
- الفصول المهمة
- الکافی
- کشف الغمة
- مناقب ابن شهر آشوب
- نور الابصار، مازندرانی

إِنَّا خَرَقْنَا اللَّيْلَ كَرَفًا إِنَّهُ لَأَفْطُورٌ

آیه ۹ - سوره حجر



### مبارزه‌ی فرهنگی یعنی این...

مبارزه با تحریف در دوران امام باقر (علیه السلام) از همیشه‌ی پیش از زمان آن حضرت گسترده‌تر انجام شد... مبارزه‌ی فرهنگی یعنی تلاش برای تغییر فرهنگ حاکم بر ذهنهای مردم، تا راه را برای حکومت الهی هموار و بر حکومت طاغوتی ببندند و امام باقر (علیه السلام) این کار را شروع کرد. **باقر علم‌الاولین** یعنی این. ایشان شکافنده‌ی حقایق قرآنی و دانشهای اسلامی بودند.

مجله ۳۳۳ کتب اسلام - شماره اول تابستان ۱۴۰۳

شماره ۳۳۳  
۶۶/۵/۹

